



آشنایی زدایی

آشنایی زدایی یعنی تازه و نو، و غریبه و متفاوت کردن آنچه آشنا و شناخته شده است؛ در اصطلاح یکی از تکنیک‌های ادبی است که اول بار در مکتب شکل گرایان (فرمالیست‌های) روس مطرح شد و یکی از مهم‌ترین نظریه‌های این مکتب محسوب می‌شود. بنابراین نظریه، وظیفه **شاعر** و یا **هنرمند** این است که با غریبه کردن مفاهیم آشنا و مشکل کردن فرم‌ها و افزودن بر دشواری، مدت زمان درک خواننده را طولانی‌تر کرده و لحظه ادراک را به تعویق بیندازد، بدین‌سان باعث ایجاد **لذت** و ذوق ادبی گردد.

فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف شعر
- ۲ - تعریف آشنایی زدایی
- ۳ - حوزه‌های آشنایی زدایی
- ۴ - جمع بندی
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

تعریف شعر

با توجه به تعریفی که دکتر **شفیعی کدکنی** از شعر می‌کند: «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت گوینده شعر، با شعر خود عملی روی زبان انجام می‌دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی تمایزی احساس می‌کند.» می‌توان آشنایی زدایی را در خدمت ایجاد این تمایز قلمداد کرد.

به بیان دیگر تفاوت و تمایز یک سخن معمولی با کلام شعری در نحوه به کارگیری زبان آن است. شاعر در شعرش واژه‌ها را برخلاف معمول و عادی آن به کار می‌برد، چیزی که از آن به عنوان «رستاخیز کلمات» یاد می‌کنند. مرز شعر و ناشر همین رستاخیز کلمات است. البته این اصطلاح خود، قوانین و قواعدی دارد ولی به طور کلی در دو دسته موسیقیایی و زبان شناسی دسته بندی می‌شود.

تعریف آشنایی زدایی

«آشنایی زدایی» یکی از وجوه رستاخیز کلمات در محور زبان شناسی است. بدین معنی که کلمات در هنجار عادی گفتار مرده‌اند و هیچ تشخص ویژه‌ای ندارند؛ اما، هنر شاعر در این است که به این کلمات مرده جان می‌بخشد و علاوه بر ایجاد شعریت در کلام خود، باعث لذت ادبی مخاطب می‌شود.

حوزه‌های آشنایی زدایی

پس آشنایی زدایی یعنی غریبه و متفاوت کردن آنچه تا به حال در نظر مخاطب آشنا و طبیعی بوده است و در دو حوزه بحث می‌شود:

۱) حوزه قاموسی: آشنایی زدایی قاموسی یعنی کاربرد غیرمعمول و نامتداول کلمات. شاعر واژه‌ای را به گونه‌ای به کار می‌برد که خلاف انتظار خواننده است؛ برای مثال «کژ و مز» از اتباع‌اند و پیوسته با هم می‌آیند، اما زمانی که **مولانا** می‌گوید:

«چون کشتی بی لنگر، کژ می‌شود و مز می‌شود». با تفکیک آنها از هم، نوعی آشنایی زدایی کرده است.

و یا آوردن صفت عالی «ترین» برای صفت عادی «یگانه» که از نظر مفهوم قابل تفضیل نیست در شعر **فروغ فرخزاد** نوعی آشنایی زدایی است:

«ای یار، ای یگانه‌ترین یار!»

۲) حوزه نحو و دستور زبان:

آشنایی زدایی در حوزه نحو یعنی بر هم زدن ساختار دستوری زبان و جایجا کردن اجزای جمله و دخل و تصرف در نحو آن، مثلاً در این شعر **سعیدی**:

«اول منم که در همه عالم نیامده است زیباتر از تو در نظرم هیچ منظری»

ساختار نحوی زبان به گونه‌ای است که خلاف انتظار خواننده است تا اوایل مصرع دوم، انتظار خواننده این است که شاعر مقام خودش را در عالم از همه کس ممتاز کرده است، ولی بعد از کلمه «زیباتر از تو...» تمام جهت عوض می‌شود و با این خلاف انتظار و نوعی چشم بندی بلاغی، خواننده را مسحور می‌کند.

۳) ساختن ترکیب‌های تازه

علاوه بر این، نوع سومی هم برای آشنایی زدایی بیان کرده‌اند و آن «ساختن ترکیب‌های تازه از طریق پیوند دادن کلمات متداول است. این ترکیب‌ها علاوه بر اینکه کلمات تشکیل دهنده خود را از حالت عادی و معمول خارج می‌کنند، اغلب، تصاویر زیبا نیز در ذهن خواننده ایجاد می‌کنند. مثل ترکیب «نعره سنگ» در این مصراع:

«خواب درچه‌ها را با نعره سنگ بشکن.»

جمع بندی

در زبان فارسی آشنایی زدایی از همان اول مورد نظر بوده است، به خصوص در شعر شاعرانی چون **فردوسی** و **سعیدی** این مفهوم در نقد ادبی بسیار مفید واقع شده است. چرا که فرایندی را توصیف می‌کند که در مورد انواع مختلف ادبیات معتبر است و ادبیات را از سایر وجوه کلامی متمایز می‌کند.

در نهایت، آشنایی زدایی به برداشت تازه‌ای از **تاریخ ادبی** رهنمون گشت. برداشتی که نه بر ادامه سنت بلکه بر گسست‌های ناگهانی از گذشته و پیدایش قواعد هنری نو استوار بود و سبکی جدید را پی‌ریزی و معرفی می‌کرد.

[۱] شفیع کدکنی، مجذرا، موسیقی شعر، تهران، آگاه، ۱۳۷۳، چاپ چهارم، ص ۴۳-۳.

[۲] میرصادقی (ذوالقدر) میمنت، واژه‌نامه هنر شاعری، تهران، کتاب مهناز، ۱۳۸۵، چاپ سوم، ویراستار سوم، ص ۱۱.
[۳] مکاریک، ایرناریما، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، مهران مهاجر و مجد نبوی (ترجمه)، تهران، آگاه، ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۱۴.

منابع:

پانویس

- ↑ شفیع‌ی کدکنی، مجدرضا، موسیقی شعر، تهران، آگاه، ۱۳۷۳، چاپ چهارم، ص ۶۳-۳.
- ↑ میرصادقی (ذوالقدر) میمنت، واژه‌نامه هنر شاعری، تهران، کتاب مهناز، ۱۳۸۵، چاپ سوم، ویراستار سوم، ص ۱۱.
- ↑ مکاریک، ایرناریما، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، مهران مهاجر و مجد نبوی (ترجمه)، تهران، آگاه، ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۱۴.

منبع

رده‌های این صفحه : **اصطلاحات ادبیات فارسی**